

Cite the article: Filsaraei, M., & Arab Banisheibani, M. (2024). The mediating Role of Accounting Information Systems in the Relationship Between Business Strategy and Firm Performance: A Comparative Study of MISSQM and ISO/IEC Models. *Journal of Accounting, Auditing and Finance in islamic enviroments*, 1(3), 54-90.

The Mediating Role of Accounting Information Systems in the Relationship Between Business Strategy and Firm Performance: A Comparative Study of MISSQM and ISO/IEC Models

Mahdi Filsaraei¹, Marzieh Arab Banisheibani²

1. Assistant Professor, Faculty of Accounting, Hakim Toos Higher Education institute, Mashhad. Iran (Corresponding Author) (filsaraei@yahoo.com)

2. MSA, Faculty of Accounting, Hakim Toos Higher Education institute, Mashhad. Iran (marziyeshyebani6@gmail.com)

ABSTRACT

Received: 19/04/2023 - Accepted: 22/05/2023

The purpose of this research is to investigate the mediating role of accounting information systems in the relationship between business strategy and company performance: a comparative study of MISSQM and ISO/IEC models. The current research method is correlation. Managers of all companies admitted in Tehran Stock Exchange were selected as the study population, and among the companies admitted in Tehran Stock Exchange, a questionnaire was randomly distributed among 384 managers from non-financial companies active in 2022. For this purpose, a standardized or quantitative questionnaire was used and the survey questionnaire was distributed among senior managers, financial managers, chief accountants, quality control department managers. For the ISO/IEC model, the questionnaire was developed by the World Organization for Standardization and is provided in Haghghi Nasab and Masoumi's (2013) research. For the MISSQM model, the scale used by Mahdavi's research (2016) was utilized to measure the quality of information systems services. In order to measure and evaluate the organization's business strategy in this research, a questionnaire designed by Zareimetin et al. (2009) was employed. Finally, Hersey and Goldsmith questionnaire (2003) was used to measure organizational performance. The results of hypothesis analysis showed that there is a significant positive relationship between business strategy and accounting information systems and between accounting information systems and company performance. There is also a significant positive relationship between business strategy and company performance. Accounting information systems with the MISSQM and ISO/IEC models played a mediating role in the relationship between business strategy and company performance, and the mediating role of the Iso/IEC model is more robust in this relationship.

Keywords: accounting information systems, business strategy, company performance, MISSQM model, Iso/IEC model.

استناد به مقاله: فیل سرائی، مهدی و عربی بنی شیبانی، مرضیه. (۱۴۰۳). نقش میانجی گری سیستم های اطلاعات حسابداری در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت: بررسی مقایسه ای مدل های MISSQM و ISO/IEC. فصلنامه حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط های اسلامی، ۱(۳)، ۵۴-۹۰.

نقش میانجیگری سیستم های اطلاعات حسابداری در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت: بررسی مقایسه ای مدل های MISSQM و ISO/IEC

مهدی فیل سرائی^۱، مرضیه عرب بنی شیبانی^۲

۱. استادیار گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (filsaraei@yahoo.com)
۲. کارشناس ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی حکیم طوس، مشهد، ایران (marziyeshyebani6@gmail.com)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجیگری سیستم های اطلاعات حسابداری (بر اساس مدل های MISSQM و ISO/IEC) در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت است. روش پژوهش حاضر از همبستگی است. مدیران کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار شهر تهران به عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب گردید. از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به صورت تصادفی پرسش نامه ای بین ۳۸۴ مدیر از شرکت های غیرمالی فعال در سال ۱۴۰۱ توزیع شد. در این پژوهش از روش کتابخانه ای و میدانی برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش معادلات ساختاری و نرم افزارهای SPSS و LISREL استفاده شده است. برای این منظور، از پرسش نامه استاندارد شده با کمی استفاده شد و پرسش نامه نظرسنجی بین مدیران ارشد، مدیران مالی، رئیس حسابداری و مدیران بخش کنترل کیفیت توزیع گردید. برای مدل ISO/IEC از پرسش نامه ای که توسط سازمان جهانی استاندارد ارائه شده و در پژوهش حقیقی نسب و معصومی (۱۳۹۱) وجود دارد، استفاده شده است. برای مدل MISSQM بر اساس پژوهش مهدوی (۱۳۸۶)، برای سنجش کیفیت خدمات سیستم های اطلاعاتی استفاده گردید. به منظور سنجش و ارزیابی راهبرد کسب و کار سازمان، در این پژوهش از پرسش نامه ای که توسط زارعی متین و همکاران (۱۳۸۹) طراحی شده است و در نهایت برای سنجش عملکرد سازمانی، از پرسش نامه هرسی و گلداسمیت (۲۰۰۳) استفاده گردید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه ها نشان می دهد بین راهبرد کسب و کار و سیستم های اطلاعات حسابداری و بین سیستم های اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری برقرار است. همچنین نتایج نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت است. هر دو سیستم های اطلاعاتی حسابداری با مدل MISSQM و ISO/IEC در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، نقش میانجیگری را دارا هستند. با وجود این، سیستم های اطلاعات حسابداری با مدل ISO/IEC نقش میانجیگری قوی تر و پررنگ تری دارند.

کلیدواژه ها: سیستم های اطلاعاتی حسابداری، راهبرد کسب و کار، عملکرد شرکت، مدل MISSQM، مدل ISO/IEC

مقدمه

عملکرد یک ساختار چندبعدی است که ارزیابی آن بسته به انواع عوامل، متفاوت است. از نظر فردی، عملکرد سابقه موفقیت‌های یک فرد است. عملکرد باید به‌عنوان نتایج کار تعریف شود، چون نتایج قوی‌ترین رابطه را با هدف‌های راهبردی سازمان، رضایت مشتری و نقش‌های اقتصادی، دارد. با توجه به افزایش روزافزون رقابت میان سازمان‌ها و در راستای توجه به تغییر و تحول سازمانی، هر سازمانی به‌دنبال آن است که عملکرد مؤثرتری داشته باشد. عملکرد شرکت یکی از مهم‌ترین سازه‌های مورد بحث در پژوهش‌های مدیریت است. بدون شک، مهم‌ترین معیار سنجش موفقیت در شرکت‌های تجاری به‌شمار می‌آید زیرا بسیاری از وظایف مدیریت بر اساس آن شکل می‌گیرد و موفقیت سازمان‌ها را می‌توان در آینه عملکردشان مشاهده کرد. بر این اساس، همواره در بیشتر سازمان‌های جهان، مدیران و رهبران سازمانی در پی ارتقا و بهبود عملکرد شرکت‌های خویش می‌باشند (آهی و همکاران^۱، ۲۰۲۱). امروزه با توجه به تغییرات مداوم محیطی، بقای سازمان‌ها به شکل‌های مختلفی تهدید می‌شود. سازمان‌ها برای ادامه حیات خود نیازمند گزینش راهبرد مناسب برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های محیطی با توجه به نقاط قوت و ضعف خود هستند. بدین ترتیب، سازمان‌ها با انتخاب بهترین راهبرد، گامی در جهت بهبود عملکرد خود برمی‌دارند. راهبردهای مختلف سازمان، در جهت واکنش مناسب نسبت به عوامل محیطی اتخاذ می‌شوند و تناسب آن‌ها با میزان تغییرات محیطی، موضوع حیاتی برای سازمان است (وقفی و نیلوفری، ۱۴۰۰).

امروزه جهانی شدن اقتصاد، رقابت را در سراسر جهان تشویق می‌کند (راویچندران^۲، ۲۰۱۸: ۲۳). توانایی رقابت، به راهبردهایی نیازمند است که می‌توانند تمام قدرت و فرصت را مهار کنند. اگر مدیریت بتواند تصمیم درست را بر اساس اطلاعات انجام دهد (پامبرنی و همکاران^۳، ۲۰۱۹: ۱۳۹۹) راهبردها بر بهبود مزایای رقابتی یک سازمان از لحاظ محصولاتی

1. Ahi et al
2. Ravichandran
3. Pambreni et al.

که باعث رشد می‌شود یا خدماتی که به یک بازار خاص یا بخش صنعت ارائه می‌دهد، تأثیر بگذارند. بانکر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) اظهار داشتند که راهبرد کسب و کار شامل مراحل انجام شده توسط شرکت‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود است. همچنین، شامل نتایج تصمیم‌هایی است که برای هدایت تلاش‌های سازمان از لحاظ محیط زیست، ساختار و فرایندهایی بر عملکرد تأثیر می‌گذارد. با این حال، کمبود مطالعاتی در بررسی راهبردهای تجاری از حیث رابطه بین آن و عملکرد شرکت وجود دارد. راهبردهای کسب و کار، راه‌هایی برای به دست آوردن مزیت رقابتی توسط یک سازمان در بازار و شامل روش‌هایی است که توسط سازمان برای تصمیم‌گیری‌های مؤثر، به نوبه خود بر عملکرد شرکت تأثیر گذار است. یک ساختار مدون، اولویت‌های راهبردی را توسعه می‌دهد تا شرکت‌ها بتوانند به طور مؤثر به رقابت پردازند. این امور دلایلی است که نشان می‌دهد دو راه برای حفظ یک شرکت و ایجاد مزیت رقابتی وجود دارد: تولید محصولات با کمترین هزینه و یا ارائه کمترین قیمت خدمات (راهبرد رهبری هزینه) یا آمادگی خود را برای پاسخگویی به نیازهای خاص مشتریان از کیفیت، ویژگی‌ها و خدمات مرتبط (راهبرد تمایز محصول) بیان می‌دارد. بنابراین، برای موفقیت، یک شرکت باید یکی از این دو راهبرد را انتخاب کند. پیاده‌سازی مناسب هر یک از این راهبردها شامل منابع و مهارت‌های مختلف و ترتیب‌های سازمانی است که منجر به تولید و سیستم‌های کنترل مؤثر می‌شود. سه راهبرد کلی پیشنهاد شده توسط پورتر^۲ (۱۹۸۰) عبارتند از: رهبری هزینه، تمایز و تمرکز. این راهبردها به عنوان راهبردهای عمومی شناخته و به طور گسترده‌ای در مطالعات مدیریت راهبردی به آن‌ها اشاره شده است (مارکس^۳، ۲۰۱۵: ۱۱۲).

رهبری هزینه‌ها از مقیاس اقتصاد، یا دامنه سایر اقتصادهای مرتبط استفاده می‌کند. شرکت‌ها با استفاده از این راهبرد، محصولات استاندارد و یکسان را از فناوری‌های پیشرفته تولید می‌کنند. هدف از تمایز محصول، از سوی دیگر، برجسته کردن و بهره‌برداری از

1. Banker et al.
2. Porter
3. Marx

محصول منحصربه‌فرد و کیفیت یک محصول شرکت برای خریداران است. یک راهبرد متمرکز برای کسب و کار ضروری است تا اینکه سازمان به یک بازار بسیار خاص تبدیل شود. چنان‌که پورتر (۱۹۸۰) به اختصار بیان می‌کند، راهبرد تمرکز بر اساس این استدلال است که یک شرکت اگر قادر به خدمت در حیطه هدف راهبردی خود به‌طور مؤثر یا کارآمدتر از رقبا باشد، می‌تواند سودمند باشد.

با این حال، هاشانیسانی و وکشی^۱ تعیین رابطه مثبت قوی بین راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در میان شرکت‌های اردنی در بورس اوراق بهادار اردن را بررسی کردند. به طور خاص، سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، می‌تواند به یک سازمان کمک کند تا با افزایش بهره‌وری، به کاهش هزینه‌ها کمک نموده و اجرای آسان راهبردهای کسب و کار و شناسایی پیشرفت‌های فرایند کسب و کار بالقوه را که بیشترین بازده را دارند، به دست می‌آورد. سیستم اطلاعاتی می‌تواند نه تنها در مورد زنجیره ارزش، بلکه خود ارزش را ارائه دهد. از این رو، سیستم‌های اطلاعاتی کارآمد به مدیریت کمک می‌کند تا شناسایی کنند که آیا ارزش یک فرایند کسب و کار یا هزینه یک فعالیت مؤثر است و اینکه آیا فرایند می‌تواند گسترش یابد، رها شود یا برون‌سپاری شود تا هزینه‌ها را به حداقل و سود را به حداکثر برساند. علاوه بر این، ممکن است به مدیریت در اتخاذ تصمیم برای راه‌اندازی محصول یا از طرف دیگر، برای بهبود روابط مشتری و وفاداری و بهبود فرایندهای اثربخشی هزینه کمک کند (هاشانیسانی و وکشی، ۲۰۱۹: ۱۲۲).

به‌طور کلی، سیستم‌های اطلاعاتی، درگاه‌هایی هستند که اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری را برای افراد فراهم می‌آورند. اطلاعاتی را که سیستم‌های اطلاعاتی در اختیار کاربران قرار می‌دهند، خدمات سیستم‌های اطلاعاتی می‌نامیم. برای اینکه سیستم‌های اطلاعاتی بتوانند خدمات مناسب را در اختیار کاربران قرار دهند، نیازمند در اختیار داشتن سخت‌افزار و نرم‌افزار مناسب و نیروی انسانی آموزش‌دیده و باانگیزه‌اند که در هر صورت، هزینه‌های بالایی را برای سازمان در بردارند. با عنایت به موارد فوق، ضرورت دارد که

سازمان‌ها به سنجش کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی خود بپردازند و نتیجه آن را به عنوان بازخورد وارد سیستم کنند و در جهت بهبود عملکرد و افزایش کیفیت و بهره‌وری سیستم، از آن استفاده نمایند.

با پیشرفت فناوری اطلاعات، سیستم‌های اطلاعاتی به شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. شرکت‌های بزرگ به صورت روزافزون در فعالیتهای خود برای پردازش، نگهداری و گزارش‌گیری اطلاعات ضروری به تعداد زیادی از سیستم‌های اطلاعاتی در سطوح مختلف وابسته شده‌اند. در نتیجه این وابستگی شدید، قابلیت اطمینان داده‌های رایانه‌ای و نیز کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی مورد استفاده، از جمله نگرانی‌های عمده مدیران است. بسیاری از سیستم‌های اطلاعاتی ممکن است شکست خورده تلقی شوند و وقت و پول زیادی صرف پیاده‌سازی آن‌ها شود. در عین حال، شرکت‌ها و سازمان‌ها نمی‌توانند منافع موردنظر خود را از این سیستم‌ها به دست آورند. یکی از مهم‌ترین دلایل شکست سیستم‌های اطلاعاتی، کیفیت پایین آن‌هاست. چنانچه سیستم‌های اطلاعاتی کیفیت مطلوبی نداشته باشند و مشکلات سازمان را حل نکنند، شرکت‌ها منفعی از سرمایه‌گذاری انجام شده در سیستم‌های اطلاعاتی به دست نمی‌آورند. از طرف دیگر، روابط بین تولیدکنندگان و مشتریان، به طور سنتی یکی از زمینه‌های مشکل‌ساز در تلاش‌های مربوط به پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی است. کاربرها و متخصصان سیستم‌های اطلاعاتی، زمینه‌های فکری و منافع و اولویت‌های متفاوتی دارند. همچنین، برخی از پژوهشگران رابطه بین سیستم‌های حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کرده‌اند. وجود یک سیستم اطلاعات حسابداری، مزایای بسیاری را در پردازش و ارائه اطلاعات حسابداری، به ویژه برای هدف‌های گزارشگری مالی فراهم می‌کند، زیرا می‌تواند زمان لازم برای حسابداران را برای آماده‌سازی و افشای گزارش‌ها کاهش دهد (فریدا و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۳۲۵).

مسئله اصلی این پژوهش، افزون بر بررسی روابط بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، این است که کدام مدل پیشنهادی می‌تواند

نقش میانجی قوی‌تر سیستم‌های اطلاعات حسابداری در رابطه بین راهبرد کسب‌وکار و عملکرد شرکت را ایفا کند؟

مبانی نظری پژوهش

مدل MISSQM

در این مدل به صورت کلی موارد زیر معرفی می‌شود:

- عوامل محسوس: شاخص‌های فرعی سنجش عوامل محسوس عبارتند از: دسترسی به تسهیلات فیزیکی، دارا بودن سخت‌افزار مناسب و کارکنان با ظاهر آراسته.
- قابلیت اعتماد: شاخص‌های فرعی سنجش قابلیت اعتماد عبارتند از: اطلاعات تلفیق شده، به روز شدن اطلاعات به وسیله سیستم، دقت در گزارش‌ها و احساس امنیت.
- پاسخگویی: شاخص‌های فرعی سنجش تفاهم عبارتند از: سرعت تهیه اطلاعات، اشتیاق در کمک به کاربران و به روز نگه داشتن مشتریان.
- تضمین: شاخص‌های فرعی سنجش تضمین کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی عبارتند از: دقت در تهیه اطلاعات، محتوای اطلاعات، احترام در برخورد با کاربران، در دسترس بودن کارکنان سیستم‌های اطلاعاتی، دارا بودن دانش فنی و تداوم عملکرد.
- همدلی: شاخص‌های فرعی سنجش همدلی کیفیت خدمات عبارتند از: شناخت و درک مشتری و همدلی.
- تعامل انسان - کامپیوتر: شاخص‌های فرعی سنجش کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی عبارتند از: سادگی استفاده و کاربرپسند بودن سیستم. به هر حال، نگارنده در مجموع ۲۲ شاخص را برای سنجش کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی پیشنهاد کرده است.

| | | |
|---|---|---|
| معیارهای شش‌گانه ارزیابی کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی | امتیاز هر سیستم اطلاعاتی از بعد عوامل محسوس | → |
| | امتیاز هر سیستم اطلاعاتی از بعد تضمین | → |
| | امتیاز هر سیستم اطلاعاتی از بعد پاسخگویی | → |
| | امتیاز هر سیستم اطلاعاتی از بعد قابلیت اعتماد | → |
| | امتیاز هر سیستم اطلاعاتی از بعد همدلی | → |
| | امتیاز هر سیستم اطلاعاتی از بعد تعامل انسان | → |

اطلاعات مربوط به محدودیت‌ها و امکانات موجود

شکل ۱: معیارهای شش‌گانه ارزیابی کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی (مهدوی، ۱۳۸۶)

ویژگی‌های عمده مدل MISSQM

هدف‌های اصلی طراحی این مدل عبارتند از:

- تضمین امکان انتخاب و اولویت‌بندی نزدیک به بهینه شاخص‌های مورد نیاز برای توسل کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی، با توجه به منابع و امکانات و محدودیت‌های موجود.
- فراهم ساختن امکان مشارکت خبرگان دانشگاهی و بخش صنعت در فرایند تعیین شاخص‌های سنجش کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی.
- کمک به مدیران با هدف تصمیم‌گیری بهینه یا نزدیک به بهینه درباره سرمایه‌گذاری برای توسعه کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی

مدل ISO/IEC ۹۱۲۶

توجه به نیاز شدید صنعت نرم‌افزار به استاندارد شدن ارزیابی نرم‌افزار، این مدل ابتدا در سال ۱۹۹۱ توسط مؤسسه بین‌المللی استانداردسازی انتشار یافت و پس از گذشت تقریباً یک دهه، در سال ۲۰۰۱ و بعد در سال ۲۰۰۳ توسط متخصصان سازمان جهانی استاندارد اصلاح و تکمیل شد.

سطح اول مدل، کیفیت محصول نرم‌افزاری را به شش ویژگی کیفی اصلی تقسیم می‌کند که هر یک از آن‌ها در سطح دوم از چند معیار کیفی تشکیل شده‌اند. ارتباط ویژگی‌های

سطح اول مدل با معیارهای مدل در سطح دوم، به صورتی که به چند است، به طوری که در این مدل، کمترین همپوشانی وجود دارد. علاوه بر این دو سطح، مدل دارای شاخص‌هایی برای ارزیابی کیفیت نرم‌افزار نیز هست. این مدل دارای شش ویژگی اصلی «کارکردی بودن»، «اعتبار»، «قابلیت استفاده»، «کارایی»، «قابلیت نگهداری» و «قابلیت انتقال» است. ساختار کلی این مدل کیفیت ویژگی‌های اصلی و معیارهای این مدل در شکل (۱) نمایش داده شده است. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، این مدل به عنوان مدل پژوهش در نظر گرفته شده و از شاخص‌های آن در طراحی پرسش‌نامه استفاده شده است.

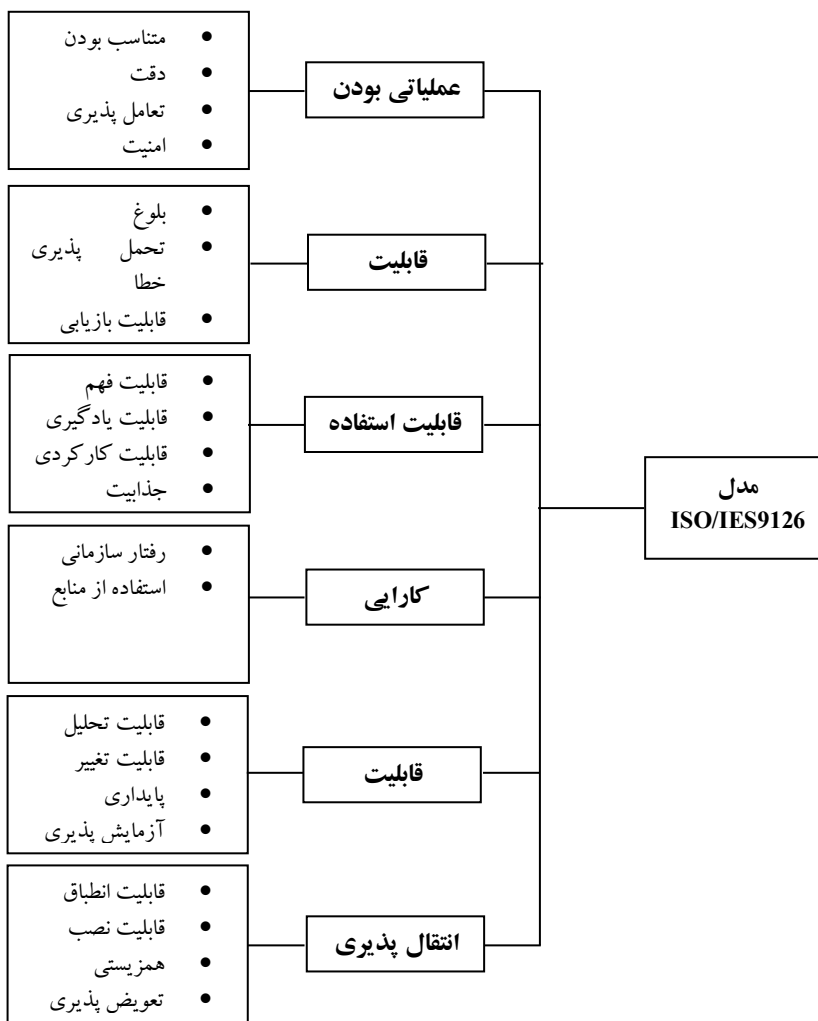
دلایل انتخاب این مدل در سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری عبارتند از:

۱. ساختار سلسله‌مراتبی: این مدل دارای سه سطح مستقل برای تعیین کیفیت نرم‌افزار است.

۲. تعریف دقیق ویژگی‌های کیفی: هر ویژگی یا صفت کیفی با یک جمله تعریف شده است.

۳. عبارت‌ها و عنوان‌های متداول: در این مدل برای توصیف و تعریف ویژگی‌های و صفات کیفی، فقط از یک عبارت یا واژه استفاده شده است که در عمل بسیار متداول و قابل فهم است.

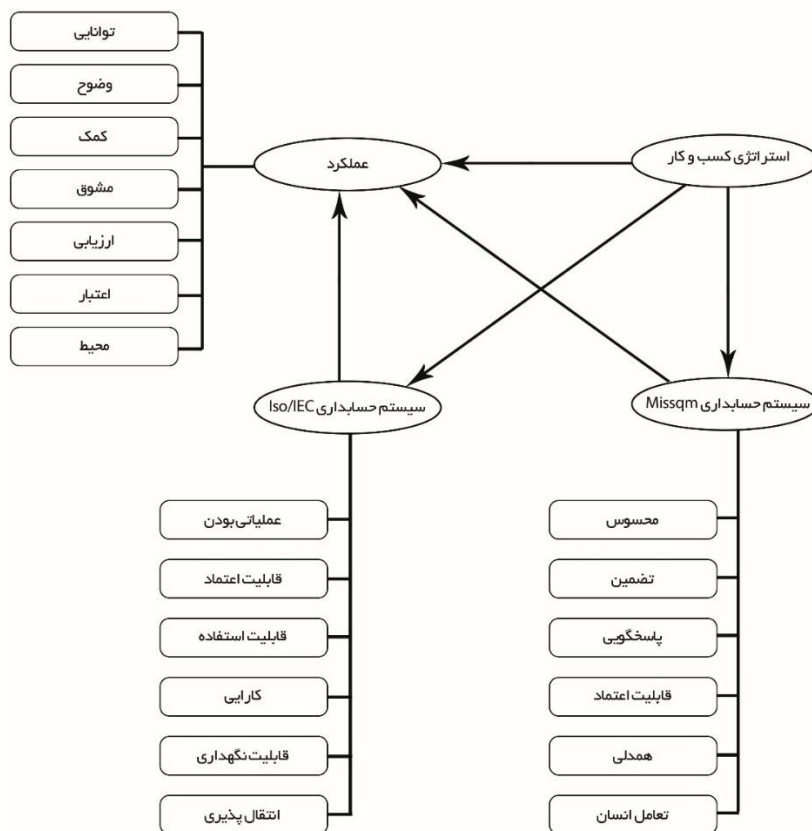
شاخص اندازه‌گیری: در پایین‌ترین سطح مدل، برای همه ویژگی‌های کیفی مدل شاخص‌هایی تعریف شده که دارای روش و مقیاسی برای اندازه‌گیری هستند. این به آن معناست که مدل کیفیت به صورت کاملاً کاربردی تعریف شده است؛ درحالی‌که مهم‌ترین ضعف و کمبودی که در مدل‌های دیگر مشهود است، نبود شاخص‌های اندازه‌گیری ویژگی‌های کیفی است.



شکل ۲: ویژگی‌های مدل ISO/IEC 9126 (حقیقی نسب و معصومی، ۱۳۹۱)

با توجه به دو مدل بیان‌شده و همچنین فرضیه‌های پژوهش، مدل مفهومی کلی پژوهش

بدین ترتیب است:



شکل ۳: مدل مفهومی (منبع: محقق ساخته)

با توجه به مدل ترسیمی، این گونه خواهیم داشت که مؤلفه سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، نقش میانجیگری دارد. همچنین، سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، نقش میانجیگری دارد.

پیشینه پژوهش

غضنفری و اسفندیاری (۱۴۰۱) تأثیر استفاده از سیستم حسابداری مدیریت و بازارگرایی بر عملکرد شرکت از طریق متغیر میانجی مشارکت حسابداران در

تصمیم‌گیری‌های استراتژیک (مطالعه موردی: شرکت‌های شهرک صنعتی شهر شیراز) را بررسی کرده‌اند. این پژوهش از حیث روش اجرایی، توصیفی - همبستگی است. جامعه مورد مطالعه پژوهش شامل کلیه مدیران ارشد، مدیران بازاریابی و حسابداران شرکت‌های شهرک صنعتی شهر شیراز در سال ۱۳۹۸ است که تعداد آن‌ها افزون بر ۱۴۵ نفر است. روش نمونه‌گیری پژوهش به صورت تصادفی ساده در دسترس است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار pls تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داده است، میزان ضریب مسیر میان بازاریابی با استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت و همچنین استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت و عملکرد شرکت با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت، بین بازاریابی و عملکرد شرکت از طریق استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، میزان ضریب مسیر میان برهمکنش بازاریابی و مشارکت حسابداران در تصمیم‌گیری‌های راهبردی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت، داده‌ها از تأثیر بازاریابی و استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت از طریق مشارکت حسابداران در تصمیم‌گیری‌های راهبردی، حمایت نمی‌کنند.

ایزدفر (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر به‌روزرسانی سیستم‌های اطلاعات حسابداری در بهبود عملکرد و تصمیم‌گیری مدیران در شرکت‌های صنعت آب و برق استان چهارمحال و بختیاری» بیان داشت که قابلیت زیرساخت بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت دارد. قابلیت منابع انسانی بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت دارد. قابلیت اداری بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت دارد. تصمیم‌گیری مدیران بر رابطه بین قابلیت زیرساخت و عملکرد شرکت نقش میانجی دارد. تصمیم‌گیری مدیران بر رابطه بین قابلیت منابع انسانی و عملکرد شرکت نقش میانجی دارد. تصمیم‌گیری مدیران بر رابطه بین قابلیت اداری و عملکرد شرکت نقش میانجی دارد.

لقمان (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر عملکرد عملیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (مطالعه موردی: شرکت پاک شو و تابعه)» بیان داشت که نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل رگرسیون خطی،

حاکمی از برقراری رابطه خطی بین متغیرها و نیز توان پیش‌بینی بالای مدل بود. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۴۸۹ نفر کارکنان شاغل در دفتر مرکزی گروه صنعتی پاکشو و شرکت‌های تابعه آن بود که بر اساس جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه مناسب برای این جامعه، ۳۰۶ نفر انتخاب شده است. داده‌های مورد نظر برای تحقیق حاضر با استفاده از پرسش‌نامه برگرفته از تحقیق او یار و همکاران انجام گرفت. نتایج تحقیق، نشان‌دهنده تأثیر معنادار بودن کاربرد سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر عملکرد عملیاتی است. از میان ابعاد متغیر مستقل، دو بُعد «گزارش‌دهی مالی» و «کارآمدی» نیز تأثیر معناداری را بر عملکرد عملیاتی نشان می‌دهد؛ اما «به‌کارگیری استانداردهای حسابداری» و «ثبت صورت‌های مالی» تأثیر معناداری را بر عملکرد عملیاتی نشان نمی‌دهند.

محمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش سرمایه انسانی و سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت بر رابطه بین استراتژی نوآوری و فرایند داخلی با عملکرد مالی شرکت‌ها» بیان داشت که نقش سرمایه انسانی در شرکت‌های تولیدی، در اجرای راهبرد نوآوری پایدار بسیار مهم است. وضعیت پررونق شرکت‌های تولیدی، به نقش سرمایه انسانی واجد شرایط نیاز دارد. چنانچه سرمایه انسانی سازمانی با خلاقیت و هوش خود، نتواند بهترین فعالیت و عملکرد خود را در محل کار انجام دهند، شرکت‌ها نمی‌توانند از کارکنان خود بهترین بهره را ببرند. چنانچه شرکت‌های تولیدی کارمندانی با شایستگی‌های ایده‌آل در اختیار نداشته باشند، کارکنان نمی‌توانند با تیم کار کنند، ایده داشته باشند و طبق برنامه‌ریزی فعالیت کنند. سرمایه ساختاری، توانایی یک سازمان یا شرکت در انجام فرایندها و ساختارهای معمول شرکت است که از تلاش کارکنان برای ایجاد عملکرد فکری مطلوب و عملکرد کلی کسب و کار پشتیبانی می‌کند.

سلیمان‌پور و همکاران (۱۳۹۹) به مطالعه بررسی ارتباط جهت‌گیری بازار و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش میانجی سیستم‌های حسابداری مدیریت در شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با استفاده از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و به شیوه پیمایشی بر اساس پرسش‌نامه استاندارد انجام شد که از منظر زمان به

صورت مقطعی و از بُعد هدف نیز کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، مدیران مالی و حسابداران ارشد شرکت‌های دارویی به تعداد ۹۵ نفر برای نیمه دوم سال ۱۳۹۸ است. نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران ۷۶ نفر است. نتایج نشان داد جهت‌گیری بازار بر سیستم‌های حسابداری مدیریت تأثیر مثبت و معناداری دارد و سیستم‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد.

حاجی‌ها و سرخانی گنجی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش میانجیگری حسابداری مدیریت بر رابطه بین طراحی سیستم هزینه و عملکرد شرکت» بیان داشتند که بین طراحی سیستم هزینه و استفاده از روش‌های حسابداری مدیریت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین روش‌های حسابداری مدیریت نقش میانجی بر رابطه بین طراحی سیستم هزینه و عملکرد را دارند.

بانی ملهم و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی «رابطه بین استراتژی کسب و کار و عملکرد شرکت: نقش میانجیگری سیستم‌های اطلاعات حسابداری» پرداختند. این مطالعه یک مدل یکپارچه را برای شرکت‌های خدماتی برای دستیابی به عملکرد بهتر از طریق راهبرد کسب و کار مناسب رقابتی و متغیرهای میانجیگری مانند سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری معرفی کرد. برای دستیابی به هدف‌های این مطالعه، داده‌ها از ۱۹۲ شرکت خدماتی ذکر شده در بورس اوراق بهادار اردن جمع‌آوری شد. ابزار تجزیه و تحلیل آماری، کمترین مربعات (PLS) برای تجزیه و تحلیل ساختارهای این مطالعه، مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه نشان داد راهبرد کسب و کار به طور قابل توجهی بر سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری تأثیر می‌گذارد؛ در حالی که سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی دارند. همچنین، نتایج نشان داد سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری ارتباط بین استراتژی کسب و کار و عملکرد مالی را در برمی‌گیرند.

ریکاردیناتو و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در تحقیقی به دنبال شناخت و تجزیه و تحلیل سهم

1. Bani Melhem et al.
2. Ricardianto et al.

مدیریت ریسک سازمانی و استراتژی تجاری در مزیت رقابتی و عملکرد شرکت‌های کشتیرانی فهرست شده در بورس اندونزی بودند. این پژوهش از تحلیل مسیر با ابزار تحلیل جزئی حداقل مربعات SmartPLS3 و آزمون معناداری ضریب مسیر آن با استفاده از آزمون t استفاده می‌کند. تعداد کل نمونه‌ها ۶۵ نمونه شامل ۱۳ شرکت با پنج سال مشاهده با روش نمونه‌گیری هدفمند است. نتیجه این پژوهش بیان می‌کند که شرکت‌های کشتیرانی در اندونزی می‌توانند عملکرد شرکت خود را از طریق مدیریت ریسک سازمانی افزایش دهند. بنابراین، شرکت‌ها باید مدیریت ریسک سازمانی را به‌درستی انجام دهند، جایی که جنبه مدیریت ریسک در راهبرد شرکت ادغام شده است.

علی و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای در نظر داشتند بررسی کنند «آیا استراتژی‌های کاهش آسیب‌پذیری (VMS) عملکرد شرکت (FP) را پیش‌بینی می‌کند؟». آن‌ها علاوه بر این، مکانیسم میانجی ریسک زنجیره‌تأمین (SCR) را در ارتباط بین VMS و FP بررسی کردند. با استفاده از یک روش پیمایشی، نویسندگان ۳۵۵ کارآفرین SME نساجی را به کار گرفتند و مدل و فرضیه‌های پیشنهادی آن‌ها را در AMOS آزمون کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد تمام VMS‌ها به‌طور قابل توجهی SCR را به حداقل می‌رساند، که متعاقباً FP را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، تأمین مالی زنجیره‌تأمین (SCF)، یک VMS جدید در زمینه SME‌های نساجی را شناسایی می‌کند.

خاروب و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای ۲۵۰ پاسخ از شرکت‌ها در بخش‌های تولیدی کلیدی یک کشور در حال توسعه، از جمله مکانیک، الکترونیک، خودرو، نساجی و مواد غذایی را جمع‌آوری کردند. تجزیه و تحلیل عوامل اکتشافی (EFA) کفایت و همگنی داده‌ها را از طریق آزمون‌های (KMO) و بارلت تضمین کردند. در نهایت، تجزیه و تحلیل عوامل تأییدی (CFA) برای شناسایی تعاملات (اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل) بین متغیرهای پنهان، نشان‌دهنده راهبردهای تولید (کیفیت، هزینه، تحویل و انعطاف‌پذیری)، راهبردهای

1. Ali et al.

2. Kharub et al.

رقابتی (هزینه - رهبری و تمایز) و شرکت‌ها استفاده شد. نتایج مطالعه نشان داد هیچ رابطه مستقیمی بین راهبردهای رقابتی و عملکرد شرکت وجود ندارد. با این حال، یافته‌ها نشان داد رهبری هزینه می‌تواند یک انتخاب راهبردی مناسب باشد و عملکرد شرکت‌ها را در صورت تمرکز بر کیفیت و ارائه بهبود بخشد. در حالی که راهبردهای رقابتی بر راهبردهای تولید تأثیر مثبت می‌گذارند، این دومی تنها میانجی بین راهبرد رهبری هزینه و عملکرد شرکت است.

ریاض و همکاران^۱ (۲۰۲۲) ISO 14001 را به‌عنوان یک راهبرد غیربازاری تصور و تأثیر آن را بر عملکرد شرکت در چارچوب سه بازار نوظهور بسیار آلوده - چین، هند و پاکستان - بررسی کردند. آن‌ها با استفاده از یک رویکرد دقیق مطالعه رویداد، دریافتند که گواهینامه ISO 14001 تأثیر منفی بر سودآوری عملیاتی و ارزش بازار شرکت‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد. به‌نظر می‌رسد این تأثیر منفی در زمینه‌هایی با نهادهای ضعیف و رژیم‌های حفاظت از محیط زیست ضعیف قوی‌تر باشد. تحلیل‌های چندمتغیره بیشتر نشان می‌دهد که تأثیر منفی ISO 14001 بر عملکرد شرکت در بین شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی ضعیف‌تر و در میان شرکت‌های مرتبط سیاسی، قوی‌تر است.

فاریدا و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «کیفیت و کارایی سیستم‌های اطلاعات حسابداری» بیان داشتند که یک سیستم اطلاعات حسابداری خوب، مؤسسه یا سازمان می‌تواند ارزش خود را از طریق افزایش کیفیت و کارایی، به‌ویژه از لحاظ کارایی زنجیره تأمین و اثربخشی، بهبود ساختارهای کنترل داخلی و بهبود تصمیم‌گیری افزایش دهد. تحقیقات با استفاده از پرسش‌نامه تکمیل و بررسی شده توسط ۵۱ کارمند که در واحد حسابداری وزارتخانه‌ها و مؤسسات با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند کار می‌کنند، انجام شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد، پیاده‌سازی سیستم اطلاعات حسابداری تأثیر قابل توجهی بر عملکرد سازمانی از طریق کیفیت گزارشگری مالی دارد.

صادق نیا و ستایش^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سیستم اطلاعاتی (IS) بر عملکرد مالی در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش میانجیگری عملکرد هزینه و عملکرد کیفیت پرداختند. این بررسی در سال ۲۰۱۸ با توزیع ۳۰۰ پرسش‌نامه در میان همه مدیران اجرایی، معاونان ریاست جمهوری مالی، مدیران حسابداری و حسابداران شرکت‌های تولیدی ذکر شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شد. داده‌ها در SmartPls با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج، روابط مثبت قابل توجهی از انعطاف‌پذیری، تکمیل و به اشتراک‌گذاری دانش را با ادغام تأیید کرد. علاوه بر این، یکپارچگی عملکرد مالی شرکت‌های بزرگ را به‌طور مستقیم و از طریق متغیرهای میانجیگری عملکرد هزینه و عملکرد کیفیت تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، هرگونه افزایش هر یک از این سه متغیر، منجر به بهبود عملکرد مالی شرکتی شد.

روش‌شناسی

در این پژوهش، از آنجاکه رابطه مورد بررسی قرار می‌گیرد، روش تحقیق از نوع همبستگی است. مدیران کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار شهر تهران به‌عنوان جامعه مورد مطالعه انتخاب می‌شوند. برای انتخاب مدیران از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌صورت تصادفی ۳۸۴ مدیر از بین شرکت‌های غیرمالی در ابتدا انتخاب شدند. برای این منظور، از پرسش‌نامه استاندارد شده یا کمی استفاده شد و پرسش‌نامه نظرسنجی بین مدیران ارشد، مدیران مالی، رئیس حسابداری، مدیران بخش کنترل کیفیت توزیع گردید. برای مدل ISO/IEC که توسط سازمان جهانی استاندارد ارائه شده و در پژوهش حقیقی‌نسب و معصومی (۱۳۹۱)، ۲۱ معیار کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی وجود دارد که در طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای طراحی شده است. برای مدل MISSQM مورد استفاده در پژوهش مهدوی (۱۳۸۶)، از ۲۲ شاخص (در ۶ گروه اصلی) برای سنجش کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی استفاده گردید. به‌منظور سنجش و ارزیابی استراتژی

کسب‌وکار سازمان در این پژوهش، از پرسش‌نامه‌ای استفاده شد که زارعی‌متین و همکاران (۱۳۸۹) آن را طراحی کردند و از ۲۹ گویه (در شش گروه اصلی) تشکیل شده است. این پرسش‌نامه با استفاده از طیف لیکرت نمره‌گذاری گردید. در نهایت، برای سنجش عملکرد سازمانی، از پرسش‌نامه تعدیل‌شده هرسی و گلداسمیت (۲۰۰۳) که از ۳۱ گویه (در پنج گروه اصلی) تشکیل شده، استفاده گردید.

در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای برای متون مربوط به موضوع پژوهش استفاده گردید و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL از دو نوع آمار توصیفی و استنباطی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، اعم از جدول‌های توزیع فراوانی، از درصدها و رسم نمودارها برای بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق و در سطح استنباطی از روش معادلات ساختاری استفاده شده است.

روایی پرسش‌نامه با استفاده از نظرهای استادان راهنما و خبرگان، ارزیابی و تأیید شده است.

پایایی به‌دست‌آمده از این پژوهش، در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: نتایج حاصل از پایایی متغیرهای پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ

| متغیر | آلفای کرون باخ |
|----------------------------|----------------|
| سیستم‌های اطلاعات حسابداری | ۰.۹۱ |
| استراتژی کسب‌وکار | ۰.۸۲ |
| عملکرد | ۰.۸۷ |

تحلیل توصیفی داده‌ها

در ابتدای پرسش‌نامه پژوهش، پرسش‌هایی به‌منظور دستیابی به مشخصات جمعیت‌شناختی - شامل مشخصات عمومی افرادی که در این مطالعه شرکت کرده‌اند - مطرح شده که نتایج آن در ادامه آمده است.

توزیع فراوانی بر اساس جنسیت و سابقه فعالیت

نخستین پرسش در قسمت مشخصات فردی، مربوط به جنسیت افراد حاضر در نمونه است که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است. داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان (۶۱ درصد) مرد با فراوانی ۲۳۱ نفر است. از جدول زیر چنین برمی‌آید که بیشتر پاسخگویان (۴۷ درصد) بالای ده سال با فراوانی ۱۸۲ نفر و پس از آن بیشترین درصد پاسخگویان (۳۰ درصد) مربوط به ۵ تا ۱۰ سال فعالیت است. در شکل زیر، این نتایج به تصویر کشیده شده است.

جدول ۲: توزیع جنسیت پاسخگویان

| جنسیت | تعداد | درصد |
|-------|-------|------|
| زن | ۱۵۳ | ۳۹.۸ |
| مرد | ۲۳۱ | ۶۰.۲ |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۰۰ |

| پایه تحصیلی | تعداد | درصد |
|----------------|-------|------|
| بالای ۱۰ سال | ۱۸۲ | ۴۷.۳ |
| ۵ تا ۱۰ سال | ۱۱۷ | ۳۰.۵ |
| ۵ سال به پایین | ۸۵ | ۲۲.۲ |
| جمع | ۲۵۰ | ۱۰۰ |

آمار استنباطی

در این بخش، با استفاده از روش‌های آمار استنباطی، داده‌های گردآوری شده تجزیه و تحلیل می‌شود تا در نهایت، از نتایج حاصل شده برای آزمون و استنتاج فرضیه‌های پژوهش استفاده شود.

همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های تحقیق، طبق جدول زیر است. با توجه به جدول و سطح معناداری به دست آمده، مشخص می‌شود که بین تمامی مؤلفه‌ها رابطه برقرار است. میزان این رابطه با توجه به ضریب همبستگی است.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های پژوهش

| سطح معناداری | ضریب همبستگی | روابط |
|--------------|--------------|-----------------------------------|
| ۰.۰۰۱ | ۰.۱۱۲ | راهبرد کسب و کار و عملکرد سازمانی |
| ۰.۰۰۱ | ۰.۶۱۸ | راهبرد کسب و کار و MISSQM |
| ۰.۰۰۱ | ۰.۲۴ | راهبرد کسب و کار و ISO/IEC |
| ۰.۰۰۱ | ۰.۴۷۱ | MISSQM و عملکرد سازمانی |
| ۰.۰۰۱ | ۰.۱۶۳ | ISO/IEC و عملکرد سازمانی |

نرمال بودن داده‌ها

با توجه به مطالب بیان شده، نرم بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلوموگراف اسمیرنوف اندازه‌گیری و به شرح زیر گزارش می‌شود:

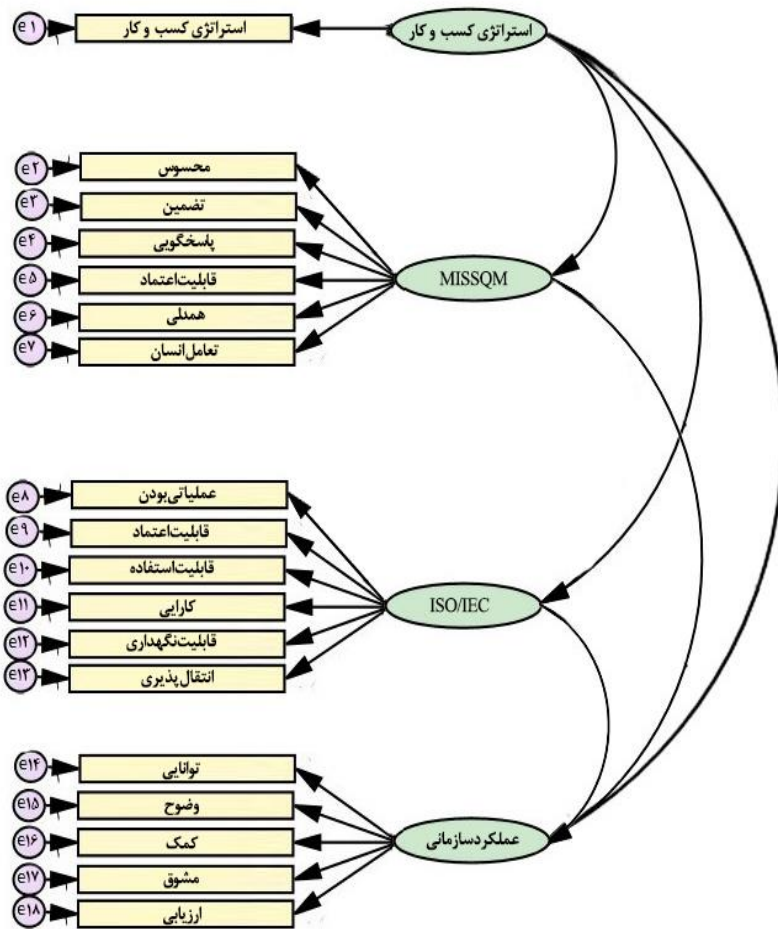
جدول ۴: آزمون کلوموگراف - اسمیرنوف

| سطح معناداری | آزمون کلوموگراف - اسمیرنوف |
|--------------|----------------------------|
| ۰.۳۱۹ | راهبرد کسب و کار |
| ۰.۲۱۴ | MISSQM |
| ۰.۰۹۸ | ISO/IEC |
| ۰.۳۴۶ | عملکرد سازمانی |

ارزیابی مدل اندازه‌گیری پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی

قبل از برازش مدل ساختاری آن، لازم است بررسی شود که آیا متغیر مشاهده شده (شامل پرسش‌ها و مؤلفه‌های پرسش‌نامه) را منعکس می‌کند؟ برازش کلی مدل اندازه‌گیری توسط

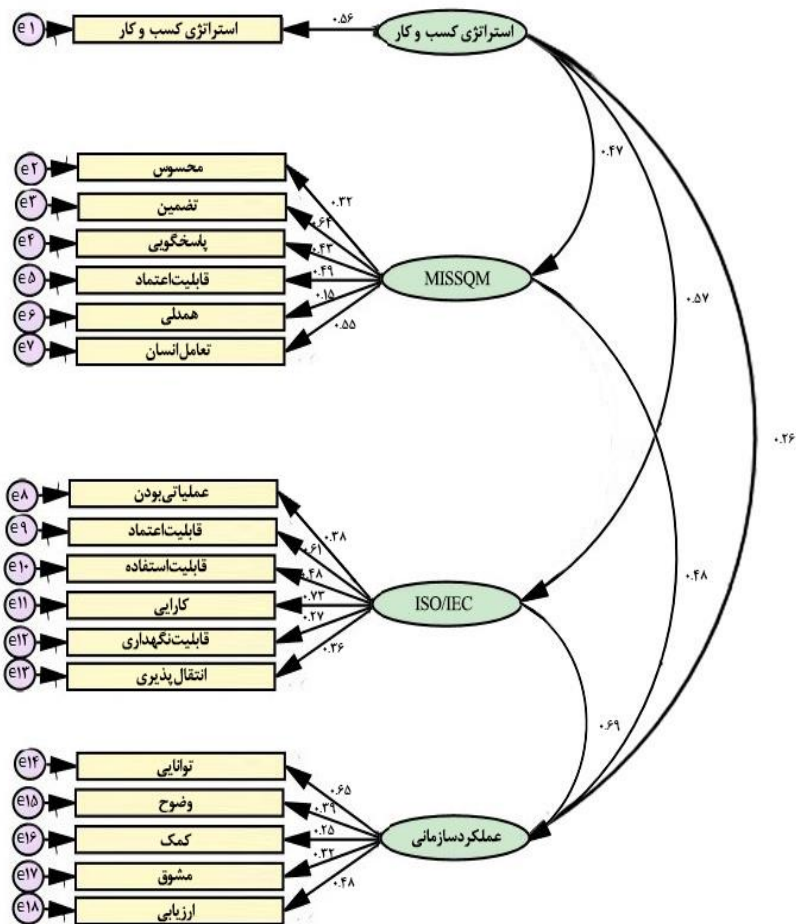
تحلیل عاملی تأییدی^۱ (CFA) تعیین می‌شود. برازش این مدل از این جهت که تمام مدل‌های ساختاری امکان‌پذیر متغیرهای پنهان در داخل مدل مفروض آشیانه‌ای شده‌اند، به شدت مهم است. به دست آوردن برازش ضعیف در این مرحله، نشان می‌دهد مدل اندازه‌گیری باید پالایش و مانع بررسی مدل ساختاری با متغیر پنهان شود. در این مرحله از تحلیل، CFA انجام می‌شود تا درجه برازش مدل، کفایت بارهای عاملی، باقی‌مانده‌های استاندارد شده و واریانس‌های تعیین شده برای متغیرهای مشاهده شده تعیین شوند. شکل ۴ مدل اندازه‌گیری را برای این پژوهش نشان می‌دهد که در ادامه قابل ملاحظه است. در این مدل، متغیرهای آشکار و پنهان با اسامی خود مشخص شده‌اند. همچنین، متغیرهای e_1 تا e_{18} عبارت‌های خطا می‌باشند.



شکل ۴: مدل اندازه‌گیری پژوهش

مدل اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری پس از اصلاحات نیز به شکل (۵) است:



شکل ۵: مدل اندازه‌گیری پس از اصلاحات

در جدول ۵، نتایج حاصل از مدل اندازه‌گیری پژوهش نشان داده شده است. چنان‌که از ارقام بار عاملی قابل مشاهده است، مؤلفه‌های هر یک از متغیرها، معنادار هستند.

جدول ۵: نتایج مدل اندازه‌گیری پژوهش

| P-value | انحراف معیار | بار عاملی | متغیرها | |
|---------|--------------|-----------|--------------------|--------------------|
| - | - | ۰/۸۶۱ | توانایی | عملکرد سازمانی |
| ۰/۰۰۰ | 0/21 | ۰/۷۷۶ | وضوح | |
| ۰/۰۰۰ | 0/23 | ۰/۵۵۱ | کمک | |
| ۰/۰۰۰ | 0/22 | ۰/۷۱۸ | مشوق | |
| ۰/۰۰۰ | 0/41 | ۰/۶۴۸ | ارزیابی | |
| - | - | ۰/۷۲۶ | محسوس | MISSQM |
| ۰/۰۰۰ | 0/14 | ۰/۵۷۴ | تضمین | |
| ۰/۰۰۰ | 0/21 | ۰/۶۸۳ | پاسخگویی | |
| ۰/۰۰۰ | 0/18 | ۰/۵۹۳ | قابلیت اعتماد | |
| ۰/۰۰۰ | 0/26 | ۰/۶۷۲ | همدلی | |
| ۰/۰۰۰ | 0/15 | ۰/۸۲۱ | تعامل انسان | |
| - | - | ۰/۶۵۸ | عملیاتی بودن | IEC/ISO |
| ۰/۰۰۰ | 0/28 | ۰/۷۶۸ | قابلیت اعتماد | |
| ۰/۰۰۰ | 0/14 | ۰/۸۰۲ | قابلیت استفاده | |
| ۰/۰۰۰ | 0/24 | ۰/۶۳۷ | کارایی | |
| ۰/۰۰۰ | 0/18 | ۰/۸۰۵ | قابلیت نگهداری | |
| ۰/۰۰۰ | 0/35 | ۰/۷۲۴ | انتقال پذیری | |
| - | - | ۰/۶۱۹ | استراتژی کسب و کار | استراتژی کسب و کار |

در جدول ۶، شاخص‌های برازش^۱ مدل به نمایش گذاشته شده است. اگر مقادیر شاخص‌های برازش در محدوده مطلوب قرار گیرند، نشان‌دهنده مناسب بودن مدل برای داده‌های گردآوری شده است.

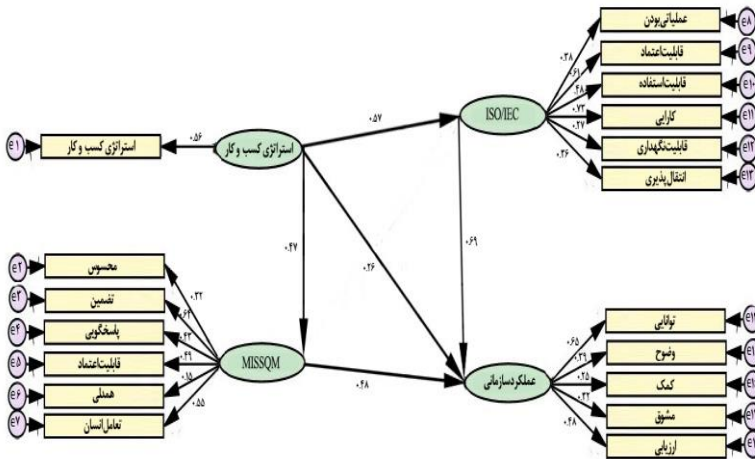
جدول ۶: شاخص‌های برازش برای مدل اندازه‌گیری پژوهش

| χ^2 / df | ریشه میانگین مربع باقی مانده استاندارد شده (SRMSR) | ریشه میانگین مربع خطای تقریب (RMSEA) | ضریب توکر-لوییس (TLI) | شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) |
|---|---|--|-----------------------------|----------------------------------|
| ۱/۱۸ | ۰/۰۸۱ | ۰/۰۵۶ | ۰/۹۳ | ۰/۹۱ |
| مقادیر: $\chi^2 / df \leq 3; TLI, CFI \geq 0.90; RMSEA \leq 0.09; SRMSR \leq 0.10$ مطلوب | | | | |
| و $\chi^2 = ۲۶۱ / ۱۵$ | | | df = ۱۷۸ | |

چنان‌که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، تمامی شاخص‌ها در محدوده مطلوب قرار دارند. بنابراین، مناسب مدل اندازه‌گیری تحقیق در برازش به داده‌های گردآوری شده تأیید می‌شود. از این رو، در مرحله بعد می‌توان مدل ساختاری را به داده‌ها برازش داد.

مدل ساختاری پژوهش

در این قسمت، مدل ساختاری پژوهش برازش می‌یابد. این مدل در شکل ۶ قابل مشاهده است.



شکل ۶: مدل ساختاری برای فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نتایج این مدل، برای تمامی ضریب‌های متغیرهای نشانگر $P\text{-value} < 0/05$ و لذا تمامی این ضریب‌های معنادار هستند. همچنین، نتایج بخش ساختاری (شامل روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) نیز در این جا ارائه نمی‌شود و در بخش بعد، برای بررسی فرضیه‌های پژوهش ارائه خواهد شد. اینک در جدول ۷، شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۷: شاخص‌های برازش برای مدل فرضیه‌های پژوهش

| χ^2 / df | ریشه میانگین مربع باقیمانده استاندارد شده (SRMSR) | ریشه میانگین مربع خطای تقریب (RMSEA) | ضریب توکر-لوییس (TLI) | شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) |
|---|--|---|-----------------------------|----------------------------------|
| ۱/۳۸ | ۰/۰۶۷ | ۰/۰۷۱ | ۰/۹۱ | ۰/۹۶ |
| مقادیر $\chi^2 / df \leq 3$; $TLI, CFI \geq 0/90$; $RMSEA \leq 0/09$; $SRMSR \leq 0/10$ مطلوب | | | | |
| و $12.9 \chi^2 = 122$ | | | $df = 697$ | |

همان‌طور که در جدول ۷ شاخص‌های برازش دیده می‌شود، تمامی شاخص‌ها در محدوده مطلوب قرار دارند. بنابراین، مناسبت مدل ساختاری تحقیق در برازش به داده‌های گردآوری شده تأیید می‌شود. لذا، می‌توان از این مدل پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش استفاده کرد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول

نتایج حاصل از مدل پژوهش و مربوط به فرضیه اول، در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج بررسی فرضیه اول

| آماره | ضریب مسیر | P-value | t-value | نتیجه |
|--|-----------|---------|---------|---------|
| استراتژی کسب و کار ← سیستم‌های اطلاعات مدیریت | ۰/۴۷ | ۰/۰۰۱ | ۵/۴۲ | معنادار |
| | ۰/۵۷ | ۰/۰۰۱ | ۵/۳۷ | معنادار |

چنان‌که در جدول فوق مشاهده می‌شود، برای ضریب مسیر بین راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری $P\text{-value}=0/001 < 0/05$ ، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین «بین استراتژی کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری رابطه معناداری برقرار است.»

فرضیه دوم

نتایج حاصل از مدل پژوهش و مربوط به فرضیه دوم در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹: نتایج بررسی فرضیه دوم

| آماره | ضریب مسیر | P-value | t-value | نتیجه |
|---|-----------|---------|---------|---------|
| سیستم‌های اطلاعات حسابداری ← عملکرد شرکت | ۰/۴۸ | ۰/۰۰۱ | ۷/۱۳ | معنادار |
| | ۰/۶۹ | ۰/۰۰۱ | ۶/۶۱ | معنادار |

چنان‌که در جدول فوق مشاهده می‌شود، برای ضریب مسیر بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت $P\text{-value}=0/001 < 0/05$ ، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین «بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است.»

فرضیه سوم

نتایج حاصل از مدل پژوهش و مربوط به فرضیه سوم، در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰: نتایج بررسی فرضیه سوم

| آماره | ضریب مسیر | P-value | t-value | نتیجه |
|--------------------------------|-----------|---------|---------|---------|
| راهبرد کسب و کار ← عملکرد شرکت | ۰/۲۶ | ۰/۰۰۰ | ۴/۲۸ | معنادار |

چنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، برای ضریب مسیر بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت $P\text{-value} = 0/000 < 0/05$ ، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین، «بین استراتژی کسب و کار و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است.»

فرضیه چهارم

فرضیه چهارم به نقش میانجی سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM مربوط می‌شود. این فرضیه در ادامه بررسی شده است. در آزمون‌های آماری متغیرهای میانجی، باید به دو پرسش پاسخ داده شود: الف) اثر غیرمستقیم X از طریق M بر Y چقدر است؟ و ب) آیا متغیر M (متغیر میانجی) نقش میانجی دارد؟ یا به عبارت دیگر، آیا اثر غیرمستقیم X (متغیر مستقل) از طریق M بر Y (متغیر وابسته) معنادار است؟

برای پاسخ به پرسش اول، یعنی اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته، می‌توان از روش سوبل^۱ (۱۹۸۲) استفاده کرد. در این روش، مقدار اثر غیرمستقیم با فرمول زیر محاسبه می‌شود. در این فرمول، a اثر متغیر مستقل بر میانجی و b اثر متغیر میانجی بر وابسته است.

$$B_{indirect} = a \times b$$

علاوه بر محاسبه میزان اثر غیرمستقیم، می‌توان با استفاده از آزمون‌هایی مانند سوبل،

بارون و کنی^۱ و گودمن^۲ معناداری اثر غیرمستقیم را نیز محاسبه کرد. شایان ذکر است، همه نرم‌افزارها معناداری اثرهای مستقیم بین متغیرها را محاسبه می‌کنند و در خروجی‌های خود ارائه می‌دهند، اما معناداری اثر غیرمستقیم را ارائه نمی‌کنند و بعضاً میزان اثر غیرمستقیم را بر اساس فرمولی که در بالا گفته شد، ارائه می‌کنند. بنابراین، معناداری اثر غیرمستقیم باید دستی حساب شود. در ادامه، فرمول محاسبه آن بر اساس روش سو بل آورده شده است.

$$t - value = \frac{a * b}{\sqrt{b^2 * sa^2 + a^2 * sb^2}}$$

در این فرمول

a: میزان اثر متغیر مستقل بر میانجی

sa: میزان خطای استاندارد اثر مستقل بر میانجی

b: میزان اثر میانجی بر وابسته

با توجه به توضیحات ارائه شده در بالا، در ادامه فرضیه میانجی بررسی می‌شود. برای محاسبه میزان اثر غیرمستقیم استراتژی کسب و کار بر عملکرد شرکت از طریق سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM، چنان که در شکل ۵ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین دو متغیر راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM برابر ۰/۴۷ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = ۰/۰۷۴) و برای رابطه بین دو متغیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM و عملکرد شرکت برابر ۰/۴۸ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = ۰/۰۹۹) محاسبه شد. بنابراین، آن گونه که در زیر محاسبه شده است، میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت برابر با ۰/۲۲۵۶ است.

$$B_{indirect} = a \times b \rightarrow 0.47 * 0.48 = 0.2256$$

با توجه به نتایج به دست آمده، در ادامه معناداری اثر غیرمستقیم بررسی شده است. با توجه به اینکه مقدار t-value خارج از بازه $\pm 1/96$ است، می‌توان گفت اثر غیرمستقیم

راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت از طریق سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM معنادار است و این فرضیه تأیید می‌شود.

همچنین، چنان‌که مشاهده می‌شود، میزان اثر مستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت برابر با ۰.۲۶ است که از مقدار اثر غیرمستقیم بیشتر است.

جدول ۱۱: نتایج بررسی فرضیه چهارم

| آماره | ضریب مسیر | P-value | t-value | نتیجه |
|--|-----------|---------|---------|---------|
| راهبرد کسب و کار ← سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM ← عملکرد شرکت | ۰.۲۲ | ۰/۰۰۱ | ۳/۸۵۴ | معنادار |

بنابراین: «سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، نقش میانجیگری دارد.»

فرضیه پنجم

فرضیه پنجم به نقش میانجی سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC مربوط می‌شود. در ادامه، این فرضیه بررسی شده است. در آزمون‌های آماری متغیرهای میانجی، باید به دو پرسش پاسخ داده شود: الف) اثر غیرمستقیم X از طریق M بر Y چقدر است؟ و ب) آیا متغیر M (متغیر میانجی) نقش میانجی دارد؟ به عبارت دیگر، آیا اثر غیرمستقیم X (متغیر مستقل) از طریق M بر Y (متغیر وابسته) معنادار است؟

برای محاسبه میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت از طریق سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC، همان‌گونه که در شکل ۵ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین دو متغیر راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC برابر ۰/۵۷ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = ۰/۰۷۸) و برای رابطه بین دو متغیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC و عملکرد شرکت برابر ۰/۶۹ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = ۰/۰۹۵) محاسبه

شد. بنابراین، چنان که در زیر محاسبه شده است، میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت، برابر با ۰/۳۹۳۳ است.

$$B_{indirect} = a \times b \rightarrow 0.57 * 0.69 = 0.3933$$

با توجه به نتایج به دست آمده، در ادامه، معناداری اثر غیرمستقیم بررسی شده است. با توجه به اینکه مقدار t-value خارج از بازه $\pm 1/96$ است، می‌توان گفت اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت، از طریق سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC معنادار است و این فرضیه تأیید می‌شود.

همچنین، چنان که مشاهده می‌شود، میزان اثر مستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت، برابر با ۰.۲۶ است که از مقدار اثر غیرمستقیم، کمتر است.

جدول ۱۲: نتایج بررسی فرضیه پنجم

| آماره | ضریب مسیر | P-value | t-value | نتیجه |
|---|--------------|---------|---------|---------|
| راهبرد کسب و کار ← سیستم‌های اطلاعات حسابداری ← ISO/IEC عملکرد شرکت | ۰.۳۹ | ۰/۰۰۱ | ۵/۱۵۲ | معنادار |

بنابراین، «سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت نقش میانجیگری دارد.»

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اولین فرضیه پژوهش به این صورت مطرح شده است: «بین راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری، رابطه معناداری برقرار است.» برای ضریب مسیر بین راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری $P\text{-value} = 0/001 < 0/05$ ، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین، در پاسخ به فرضیه یک پژوهش می‌توان گفت: «بین راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری رابطه معناداری برقرار است.» این فرضیه نیز توانست تحقیقات غضنفری و اسفندیاری، در سال ۱۴۰۱ را در پژوهشی با عنوان «تعیین نقش واسطه‌ای استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت بر رابطه بین

بازارگرایی و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیلگری مشارکت حسابداران در تصمیم‌گیری استراتژیک» را تأیید کند که بازارگرایی بر استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت تأثیر مثبت و معناداری دارد. به علاوه، استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد شرکت تأثیر مثبت و معنادار دارد. همچنین، استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت به‌طور جزئی نقش واسطه‌ای در رابطه بین بازارگرایی و عملکرد شرکت ایفا می‌کند و در نهایت، مشارکت حسابداران به‌طور مثبت اثر بازارگرایی بر عملکرد شرکت را تعدیل می‌کند. این مطالعه با درک اهمیت استفاده از سیستم‌های حسابداری مدیریت و مشارکت دادن حسابداران در فرایند تصمیم‌گیری راهبردی کوشید تا رویکردی جدیدی را برای بهبود عملکرد شرکت ارائه کند.

دومین فرضیه پژوهش عبارت است از: «بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است.» برای ضریب مسیر بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت $P\text{-value} = 0/001 < 0/05$ ، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین «بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است.» این فرضیه توانست تحقیقات ایزدفر را در سال ۱۴۰۰ در پژوهشی با عنوان «تأثیر به‌روزرسانی سیستم‌های اطلاعات حسابداری در بهبود عملکرد و تصمیم‌گیری مدیران در شرکت‌های صنعت آب و برق استان چهارمحال و بختیاری» تأیید کند که قابلیت زیرساخت بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت دارد. قابلیت منابع انسانی بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت دارد. قابلیت اداری بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبت دارد. تصمیم‌گیری مدیران بر رابطه بین قابلیت زیرساخت و عملکرد شرکت نقش میانجی دارد. تصمیم‌گیری مدیران بر رابطه بین قابلیت منابع انسانی و عملکرد شرکت، نقش میانجی دارد. تصمیم‌گیری مدیران بر رابطه بین قابلیت اداری و عملکرد شرکت نقش میانجی دارد. همچنین این تأکیدی بر تحقیقات لقمان در سال ۱۴۰۰ است که در پژوهشی با عنوان «تأثیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر عملکرد عملیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (مطالعه موردی: شرکت پاک‌شو و تابعه)» بیان داشت نتایج تحقیق نشان‌دهنده تأثیر معنادار بودن

کاربرد سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر عملکرد عملیاتی است.

در سومین فرضیه پژوهش، آمده است: «بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است.» برای ضریب مسیر بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت $P\text{-value} = 0/000 < 0/05$ ، لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین، «بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت رابطه معناداری برقرار است.» این فرضیه توانست تحقیقات حاجی‌ها و سرخانی گنجی را در سال ۱۳۹۹ در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش میانجیگری حسابداری مدیریت بر رابطه بین طراحی سیستم هزینه و عملکرد شرکت» تأیید کند که بین طراحی سیستم هزینه و استفاده از روش‌های حسابداری مدیریت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، روش‌های حسابداری مدیریت، نقش میانجی بر رابطه بین طراحی سیستم هزینه و عملکرد دارند.

فرضیه چهارم پژوهش به صورت زیر مطرح شده است:

«سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، نقش میانجیگری دارد.» فرضیه اصلی اول به نقش میانجیگری سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM مربوط می‌شود که در ادامه، این فرضیه بررسی شده است. برای محاسبه میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت از طریق سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM، مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین دو متغیر راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM برابر $0/47$ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = $0/074$) و برای رابطه بین دو متغیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM و عملکرد شرکت، برابر $0/48$ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = $0/099$) محاسبه گردید. بنابراین، چنان که در زیر محاسبه شده است، میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت، برابر با $0/2256$ است. بنابراین «سیستم‌های اطلاعات حسابداری MISSQM در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت، نقش میانجیگری دارد.»

همچنین، مطابق با فرضیه پنجم پژوهش: «سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC در

رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت نقش میانجیگری دارد.» برای محاسبه میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت از طریق سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC، مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین دو متغیر راهبرد کسب و کار و سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC برابر ۰/۵۷ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = ۰/۰۷۸) و برای رابطه بین دو متغیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC و عملکرد شرکت برابر ۰/۶۹ (میزان خطای استاندارد بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار = ۰/۰۹۵) محاسبه گردید. بنابراین، چنان‌که در زیر محاسبه شده است، میزان اثر غیرمستقیم راهبرد کسب و کار بر عملکرد شرکت برابر با ۰/۳۹۳۳ است؛ یعنی «سیستم‌های اطلاعات حسابداری ISO/IEC در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد شرکت نقش میانجیگری دارد» که این فرضیه‌ها نیز می‌تواند تحقیقات بانی ملهم و همکاران (۲۰۲۱) را تأیید کند. این مطالعه یک مدل یکپارچه برای شرکت‌های خدماتی جهت دستیابی به عملکرد بهتر از طریق راهبرد کسب و کار مناسب رقابتی و متغیرهای میانجیگری مانند AIS معرفی کرد. برای دستیابی به هدف‌های این مطالعه، داده‌ها از ۱۹۲ شرکت خدماتی ذکر شده در بورس اوراق بهادار اردن جمع‌آوری شد. ابزار تجزیه و تحلیل آماری کمترین مربعات (PLS) برای تجزیه و تحلیل ساختارهایی این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه نشان داد، راهبرد کسب و کار به‌طور قابل توجهی بر AIS تأثیر می‌گذارد، در حالی که AIS تأثیر قابل توجهی بر عملکرد مالی دارد. به‌همین ترتیب، نتایج نشان داد که AIS ارتباط بین راهبرد کسب و کار و عملکرد مالی را در برمی‌گیرد.

- ✓ با توجه به تأثیرگذاری بیشتر مدل Iso در رابطه بین راهبرد کسب و کار و عملکرد پیشنهاد می‌شود که برای ارتقای عملکرد، شرکت‌ها از این مدل جهت تبیین سیستم‌های اطلاعات حسابداری استفاده کنند تا این امر سبب ارتقای سطح تعامل‌پذیری، تعاملات و رفتار سازمانی شود و عملکرد شرکت نیز ارتقا پیدا کند.
- ✓ کلیه سازمان‌های کشور به امر صحیح تصمیم‌گیری در حل مشکلات، جذب و انتصابات پیردازند تا کشور با رشد و توسعه اقتصادی و عملکرد بهتر سازمان‌ها

روبه‌رو شود.

✓ در گذشته، تهیه گزارش‌های مالی بسیار دشوار و زمانبر بود، اما با پیشرفت فناوری و سیستم‌های اطلاعات حسابداری‌های جدید با پلتفرم‌های گوناگون، کار را برای کاربران ساده‌تر، درصد خطاها را کمتر و درصد ذخیره زمان را بیشتر کرده‌اند. پس، چه بهتر که از این سیستم‌ها به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم.

برای انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود تأثیر سنجه‌هایی مانند رضایت کارکنان، فضای مناسب کاری، دسترسی به سیستم‌های اطلاعاتی لازم، برنامه‌های آموزش کارکنان با نقش میانجی سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر عملکرد شرکت بررسی شود.
- پیشنهاد می‌شود تأثیر مدل‌های MISSQM و ISO/IEC بر رضایت کارکنان و فضای کاری بررسی شود تا بتوان بیان داشت کدام گونه از مدل‌ها در ایران کارایی بیشتری دارد.

منابع

- ایزدفر، فاطمه. (۱۴۰۰). «تأثیر به‌روزرسانی سیستم‌های اطلاعات حسابداری در بهبود عملکرد و تصمیم‌گیری مدیران در شرکت‌های صنعت آب و برق استان چهارمحال و بختیاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، مرکز یزد.
- حاجیها، زهره و سرخانی گنجی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). «بررسی نقش میانجیگری حسابداری مدیریت بر رابطه بین طراحی سیستم هزینه و عملکرد شرکت». **حسابداری مدیریت**، (۴۴).
- حقیقی‌نسب، منیژه و معصومی، معصومه. (۱۳۹۱). «ارزیابی کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی بر اساس مدل ISO/IEC 9126 در سازمان‌های ایرانی». **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، (۶) ۲.
- زارعی متین، حسن. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین گرایش استراتژیک شرکت با عملکرد سازمانی با استفاده از رویکرد کارت امتیازی متوازن». **مدیریت بازرگانی**، ۲ (۴)، ۹۷-۱۱۲.
- سلیمانپور، صدیقه، یوسفوند، داود و همتی، حسن. (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط جهت‌گیری بازار و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن نقش میانجی سیستم‌های حسابداری مدیریت». **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت**، (۳۷) ۳، ۱۱-۱.

غضنفری، امیرعلی و اسفندیاری، مهدی. (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر استفاده از سیستم حسابداری مدیریت و بازارگرایی بر عملکرد شرکت از طریق متغیر میانجی مشارکت حسابداران در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک (مطالعه موردی: شرکت‌های شهرک صنعتی شهر شیراز)». **هجدهمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری**، بابل.

لقمان، حسین. (۱۴۰۰). «تأثیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر عملکرد عملیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (مطالعه موردی: شرکت پاکشو و تابعه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نطنز.

محمدی، اسماعیل. (۱۴۰۰). «نقش سرمایه انسانی و سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت بر رابطه بین استراتژی نوآوری و فرآیند داخلی با عملکرد مالی شرکت‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی سهروردی.

مهدوی، عبدالحمید (۱۳۸۶). «طراحی مدل ارزیابی کیفیت خدمات سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر الگوریتم ژنتیک». **مدرسه علوم انسانی**، ۲۶۳-۲۳۵.

وفقی، سیدحسام و نیلوفری، زهره. (۱۴۰۰). «تأثیر استراتژی کسب‌وکار بر عملکرد شرکت با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی توانایی مدیریت». **مدیریت نوآوری و راهبردهای عملیاتی**، ۲(۳)، ۳۰۵-۱۸۵.

- Ahi, F., Toolabi, Z., & Mohammadi, E. (2021). The impact of strategic thinking and strategic planning on company performance with the role of strategic foresight (case study: Kermanshah Gas company). *Journal of new research approaches in management and accounting*, 5(70), 10-22. (In Persian).
- Ali, Z., Gongbing, B., & Mehreen, A. (2023). Do vulnerability mitigation strategies influence firm performance: the mediating role of supply chain risk. *International Journal of Emerging Markets*, 18(3), 748-767.
<http://majournal.ir/index.php/ma/article/view/907/728>
- Bani Melhem, W.G., Rabi, A.M. & Zuqibeh, A.M. (2021). Business Strategy and Firm Performance: The Mediating Role of Accounting Information Systems. *Journal of Business & Economic Policy*, 8(1), doi:10.30845/jbep.v8n1p4
- Banker, R., Mashruwala, R., & Tripathy, A. (2014). Does a differentiation strategy lead to more sustainable financial performance than a cost leadership strategy? . *Management Decision*, 52(5), 872-896.
- Farida, I., Mulyani, S., Akbar, B., & Setyaningsih, S.D. (2021). Quality and efficiency of accounting information systems. *Utopía y Praxis Latinoamericana*, 26(2), 322-336.
- HashaniSiqani, S., & Berisha Vokshi, N. (2019). The impact of accounting information system on the effectiveness of public enterprises: the case of Kosovo. *International Journal of Economics and Business Administration*, 7(3), 106-115.
- Kharub, M., Mor, R. S., & Rana, S. (2022). Mediating role of manufacturing strategy in the competitive strategy and firm performance: evidence from SMEs. *Benchmarking: An International Journal*, 29(10), 3275-

3301. <https://doi.org/10.1108/BIJ-05-2021-0257>
- Marx, T. G. (2015). The impact of business strategy on leadership. *Journal of Strategy and Management*, 8(2), 110-126.
- Pambreni, Y., Khatibi, A., Azam, S., & Tham, J. (2019). The influence of total quality management toward organization performance. *Management Science Letters*, 9(9), 1397-1406
- Porter, M. E. (1980). *Competitive strategy-techniques for analysis industries and competitors*. New York: The Free Press.
- Ravichandran, T. (2018). Exploring the relationships between IT competence, innovation capacity and organizational agility. *The Journal of Strategic Information Systems*, 27(1), 22-42.
- Riaz, H., Saeed, A., Liedong, T. A., & Rajwani, T. (2022). Environmental management, nonmarket strategy, and firm performance in emerging markets: The case of ISO 14001. *Business Ethics, the Environment & Responsibility*, 31(1), 139-163.
- Ricardianto, P., Lembang, A., Tatiana, Y., Ruminda, M., Kholdun, A., Kusuma, I., ... & Endri, E. (2023). Enterprise risk management and business strategy on firm performance: The role of mediating competitive advantage. *Uncertain Supply Chain Management*, 11(1), 249-260.
- Sadeghnia, M., & Setayesh, M. H. (2021). The Effects of Information System Integration on Financial Performance Mediated by Cost Performance and Quality Performance: An SEM-based Analysis. *Journal of System Management*, 6(3), 237-263.